

آسیب‌شناسی نظام آماری کشور

۳. اختلاف آمارهای کلیدی

۱. اختلاف آماری یا اغتشاش آماری!؟

موضوع تفاوت برآورد آمارهای کلیدی اقتصادی نظیر تولید (حساب‌های ملی) و تورم برآوردی دو نهاد مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، همواره یکی از چالش‌های اصلی نظام برنامه‌ریزی در ایران بوده است. با وجود تلاش‌ها و به‌خصوص بحث‌های متعدد و طولانی صورت گرفته، این اختلافات نه تنها برطرف نشده بلکه بعضاً تشدید هم شده است. یکی از این اختلافات مربوط به آمارهای بسیار کلیدی حساب‌های ملی است که عملکرد رشد اقتصادی و اجزای آن را در سطح بخش‌ها نشان می‌دهد. این آمار تصویر وضعیت موجود بخش‌های عرضه یا تقاضای کشور را نشان می‌دهد و پایه‌ای‌ترین ابزار برای برنامه‌ریزی در حوزه تولید محسوب می‌شود. هرگونه خطا در برآورد این آمارها به‌طور بالقوه می‌تواند سیاستگذار و حتی فعال اقتصادی را به کلی منحرف کند.

جدول ذیل برآورد دو نهاد مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از وضعیت رشد بخش‌های اقتصاد ایران در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۶ (آخرین آمار منتشر شده) را نشان می‌دهد. با دقت در برآوردهای این دو نهاد مشخص می‌شود که در عمده بخش‌های اقتصاد ایران تصویر روشنی از رشد اقتصادی ارائه نشده و تفاوت در ارقام رشد برآوردی دو نهاد نسبتاً اساسی است. در واقع برای یک کارشناس اقتصادی یا آماری، توجیه اینکه این دو آمار مربوط به یک کشور و یک دوره زمانی است بسیار دشوار و حتی گیج‌کننده است! نمودار به‌صورت عینی‌تر نشان می‌دهد که این دو نهاد دو تصویر به‌طور کلی متفاوت از اقتصاد ایران برای ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۶ را ارائه می‌دهند. در آمارهای بانک مرکزی بخش‌های صنعت، کشاورزی، آب، برق و گاز وضعیت بهتری را نشان می‌دهند به‌طوری که اختلاف آمار آب، برق و گاز این نهاد با مرکز آمار ایران نزدیک ۷ درصد (!) است. در آمارهای مرکز آمار بخش‌های ساختمان، خدمات و نفت رشد بالاتری را نشان می‌دهند به‌طوری که آمار بانک مرکزی رشد بخش ساختمان را زیر یک درصد (۰/۸ درصد) و مرکز آمار ۴/۵ درصد نشان می‌دهد. با توجه به اهمیت راهبردی وضعیت رشد بخش ساختمان (درواقع سرمایه‌گذاری) در سال‌های اخیر می‌توان به اهمیت این اختلاف (حدود ۳/۷ درصد) در این بخش پی برد.

معاونت پژوهش‌های
اقتصادی
دفتر: مطالعات
اقتصادی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۲۰۱۵۸۳۱

تاریخ انتشار:

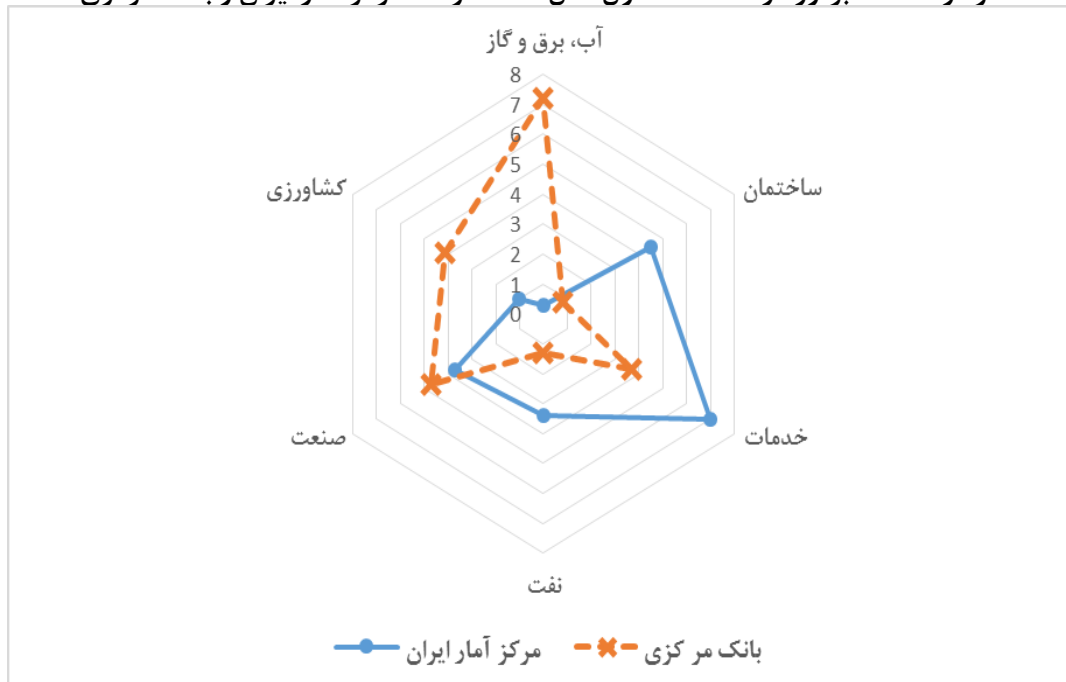
۱۳۹۷/۲/۳

جدول برآورد رشد ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۶ توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی

بخش	مرکز آمار ایران	بانک مرکزی
کشاورزی	۱	۴/۱
نفت	۳/۴	۱/۳
صنعت	۳/۷	۴/۷
آب، برق و گاز	۰/۳	۷/۲
ساختمان	۴/۵	۰/۸
خدمات	۷	۳/۷
بازرگانی، رستوران و هتلداری	۴/۸	۴/۳
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۸/۴	۷/۱
خدمات مؤسسات پولی و مالی	۸/۳	۳/۲
خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی	۷/۳	۳/۲
خدمات عمومی	۷/۹	۲/۹
خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی	۹/۲	-۴/۶
رشد اقتصادی	۴/۴	۳/۴

مأخذ: حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار و بانک مرکزی.

نمودار اختلاف برآورد رشد ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۶ توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی



مأخذ: حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار و بانک مرکزی.

۲. آسیب‌شناسی و پیشنهادها

تا پیش از این عموماً این‌گونه استدلال می‌شد که اختلاف آمار حساب‌های ملی و شاخص‌های قیمت دو نهاد مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، ناشی از تفاوت سال‌های پایه این دو نهاد (۱۳۷۶ و ۱۳۸۳) است. با این‌حال، آمارهای جدید نشان می‌دهد که حتی یکسان‌سازی سال پایه دو نهاد به سال ۱۳۹۰ نیز نتوانسته است مشکل را تقلیل دهد. بعضاً هم، چنین استدلال می‌شود که اختلاف این آمارها ناشی از تفاوت در نمونه‌گیری است. این استدلال، نه تنها نگرانی از وضعیت نظام آماری را کاهش نمی‌دهد بلکه تا حد زیادی عمق اغتشاش آماری را نشان می‌دهد که چگونه دو نمونه‌گیری استاندارد می‌تواند به‌عنوان مثال تفاوت حدود ۱۴ درصدی بخش «خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی» را موجب شود. در این صورت آیا اساساً می‌توان به استاندارد بودن نمونه‌ها و روش‌های نمونه‌گیری مطمئن بود و آیا این موضوع خود نمی‌تواند عاملی برای بی‌اعتباری سایر آمارهای متکی بر نمونه‌گیری باشد؟ ضمن اینکه ارزیابی وضع موجود آمارها نشان می‌دهد که مسئله نمونه‌گیری هم توضیح‌دهنده اختلافات موجود آماری نیست و این اختلاف حتی در آمارهای ثبتي نیز مشاهده می‌شود. اختلاف در آمارهای بخش نفت نمونه‌ای از این قبیل اختلافات بین نهادهای آماری است که در ۹ ماهه اول رشد اعلامی مرکز آمار تقریباً ۲/۵ برابر رشد اعلام شده توسط بانک مرکزی برای این بخش است.

واقعیت آن است که اغتشاش آماری موجود ریشه در وجود دو نظام آماری متفاوت در ایران دارد که می‌توان خود آن را محصول فقدان یک زیرساخت قانونی مناسب برای نظام آماری کشور دانست. در واقع زیرساخت قانونی فعلی کشور در حوزه آمار مشتمل بر یک قانون تأسیس مرکز آمار ایران (نه نظام آماری ایران) و برخی قوانین پراکنده مرتبط است که به‌طور روشن و برخوردار از ضمانت اجرایی مناسب، وضعیت تقسیم‌کار، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و استانداردپذیری نهادهای مرتبط را مشخص نکرده است. بنابراین راهکار اساسی در این خصوص تدوین یک قانون جامع نظام آماری برای کشور است. با این‌حال، این موضوع بدان معنا نیست که در کوتاه‌مدت نمی‌توان اقداماتی برای کاهش و تقلیل وضعیت اغتشاش آماری موجود در آمارهای کلیدی نظیر حساب‌های ملی و شاخص‌های قیمت انجام داد. یک راهکار می‌تواند تشکیل کمیته‌ای فراقوه‌ای با حضور کارشناسان و متخصصان آماری و اقتصادی جهت ارزیابی دلایل اختلافات در آمارهای تعیین شده و ارائه پیشنهادها عملی و لازم‌الاجرا توسط هر کدام از نهادها باشد. بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان پیشنهادها کوتاه‌مدت و بلندمدت برای اصلاح نظام آماری و کاهش اختلافات آماری را به شرح زیر بیان کرد:

۱. راهکار بلندمدت: تدوین قانون نظام آماری ایران با رویکرد تقسیم‌کار آماری دستگاه‌های اجرایی و افزایش مسئولیت‌پذیری دستگاه‌ها، افزایش تعامل نظام آماری با سامانه‌های اطلاعاتی و آمارهای ثبتي، افزایش استانداردهای کمی و کیفی آماری، افزایش پاسخگویی نهادهای آماری.

۲. راهکار کوتاه‌مدت: تشکیل کمیته کارشناسی آسیب‌شناسی اختلاف آمارهای کلیدی از سوی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری اجرایی یعنی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران به‌منظور بررسی دلایل مدیریتی، مبنایی، فنی و اجرایی، اختلاف آمارهای کلیدی اقتصادی و ارائه راهکارهای اجرایی لازم‌الاجرا توسط نهادهای آماری و دستگاه‌های اجرایی.

